

## تأقلى در روش كنونى آموزش ترجمه

بهزاد فنسولى

دانشگاه فردوسى

خلاصه: در اين مقاله نويسنده روش موجود در آموزش ترجمه در مراحل اوليه يا روش آموزش از طريق ارزشيابى را مردود مى شمارد و بر اساس اصول يادگيرى زبان مادري چارچوبى نظري پيشنهاد مى كند كه مى توان از آن در برنامه ريزى و آموزش دروس ترجمه و نيز در تاليف كتب درسى ترجمه استفاده كرد.

### ۱- مقدمه

آموزش ترجمه در ايران از مقبوليت خاصى برخوردار است. كم و بيش در همه برنامه هاى آموزش زبان خارجى در كشور دروسى تحت عنوان ترجمه ارائه مى شود. دامنه كاربرد اين فن از گروه هاى آموزش زبان خارجى فراتر رفته و استفاده از آن براى آموزش زبان به دانشجويان رشته هاى مختلف علوم و ادبيات (انگليسى براى مقاصد خاص ESP) نيز تجويز مى شود. در اين حوزه نسبتاً جديد، نقش ترجمه در آموزش زبان - نه به عنوان هدف بلكه به عنوان وسيله اى براى درك متن - هنوز كشف نشده باقى مانده است.

بطور كلى مشكل اساسى آموزش ترجمه نبود طرحى برخوردار از مبانى نظري معين و نبود برنامه عملى منسجمى براى سطوح مختلف آموزشى است. اين وضع تا حدى به دليل پيچيده بودن فن ترجمه است. آموزش ترجمه يعنى آموزش تمام روشهاى درك و بيان در دوزبان مبداء و مقصد. هدف غايى كلاسهائى ترجمه، ايجاد توانائى لازم در فراگيرنده براى انجام ترجمه هاى قابل قبول از متون مختلف علمى و ادبى است. به گفته نيومارك (۱۹۸۱) مترجم مى بايد:

۱- داراى دانش نحوى لازم باشد تا بتواند در مورد متون مختلف قضاوت كند و بين تفسيرهاى محتمل متن فرق قائل شود.

۲- بتواند به تناسب متن اصلى سبك نوشته اش را تغيير دهد.

۳- شم منطقى داشته باشد و بتواند روابط منطقى عبارات با يكديگر را درك كند.

۴- داراى توانائى تشخيص و يژگيهائى ادبى متن باشد.

۵- به اندازه كافى با هر دوزبان آشنا باشد تا بتواند سبك متن اصلى را با سبكى نزديك به

آن در زبان مادرش بازسازی کند.

۶- با معانی مجازی و استعاری لغات و با ویژگی‌های محاوره‌ای هر دو زبان آشنا باشد.

۷- بین معانی اولیه و ثانویه کلمات فرق بگذارد، روابط ترکیبی کلمات

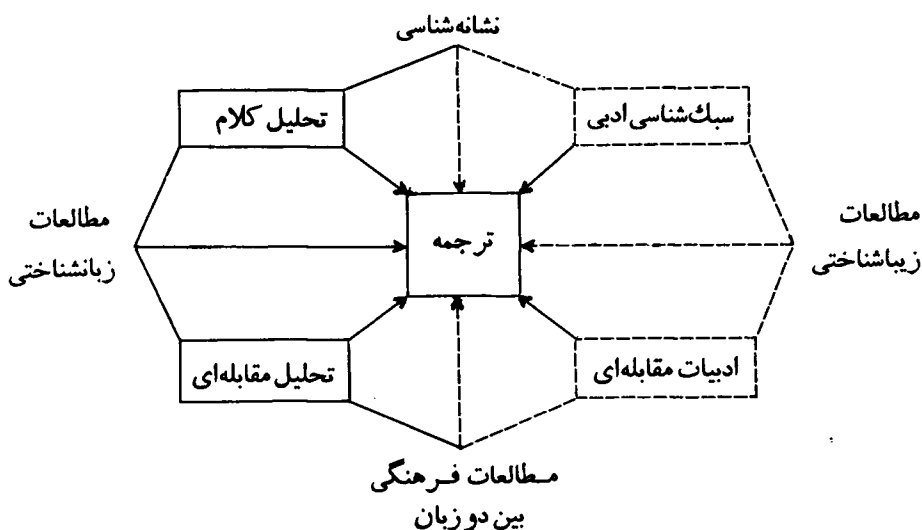
(collocation) را بشناسد و معانی اصلی (core) را از معانی فرعی (peripheral) تمیز

بدهد.

۸- با تکنیک‌های عملی ترجمه آشنایی داشته باشد.

هارتمان (۱۹۸۰) رابطه میان ترجمه و دیگر رشته‌های زبانشناسی تطبیقی را بدین گونه تصویر

می‌کند:



بر اساس تصویر فوق واضح است که مهارت ترجمه محدود به توانایی در انطباق لغوی - نحوی

دو زبان نیست. بدلیل پیچیدگی ماهیت ترجمه و نیز از آنجا که آموزش ترجمه به شیوه نوین و مبتنی بر

یافته‌های زبانشناسی قلمرو نسبتاً جدیدی است، آموزش ترجمه در ایران از نظر اصول آموزشی با

نقایصی همراه است. در اینجا به تحلیل یکی از این نقایص می‌پردازیم.

## ۲- طرح یک مشکل در آموزش ترجمه در ایران

در کلاسهای ترجمه، معمولاً دانشجویان متنی را که در خانه ترجمه کرده‌اند می‌خوانند و استاد

ترجمه‌های دانشجویان را اصلاح می‌کند و ترجمه پیشنهادی خود را می‌خواند. در این روش، آموزش

ترجمه از طریق ارزشیابی آنچه دانشجویان ترجمه کرده‌اند صورت می‌گیرد. بنابراین روش انتظار

می‌رود دانشجوی متنی را که بخوبی درک نمی‌کند به زبان مادری خود ترجمه کند، و فرض بر این است

که دانشجویان مادری خود را بخوبی می‌شناسد و می‌تواند آن را به درستی بکار بگیرد. اکنون به بحث دربارهٔ مردود بودن این روش از دیدگاه روانشناسی یادگیری می‌پردازیم.

تمایل بشر به ارزشیابی آنچه فراگرفته تقدم آموزش و تأخر ارزشیابی را می‌رساند. به عبارت دیگر همیشه پیشینه آموزشی زمینه‌ساز ارزشیابی است و ارزشیابی که مسبوق به آموزش نیست کاری بی‌فایده است و نتیجه کار از پیش معلوم است. در روش آموزش از طریق ارزشیابی، آموزش از سرعت کافی برخوردار نیست و تأثیرات منفی در فراگیرنده ایجاد می‌کند. مثل این است که از کوهنورد تازه کاری که به او آموزش کافی داده نشده بخواهیم تا از کوه صعب‌العبوری بالا برود و هرگاه دچار سانحه‌ای شود اشتباهش را به او گوشزد کنیم و بگوئیم که می‌بایست از تکنیکی که قبلاً آموزشی در آن مورد ندیده استفاده می‌کرد. البته قابل پیش‌بینی است که کوهنورد نمی‌تواند بدون داشتن مهارت لازم به کوه صعود کند و لذا ارزیابی ما که بر آموزش مقدم است اعتباری ندارد.

کاربرد این روش در آموزش ترجمه اشکالات آموزشی متعددی به دنبال دارد که مهمترین آنها ایجاد تأثیرات منفی در فراگیرنده است. دانشجویی که قبل از دیدن آموزش کافی دست به ترجمه می‌برد، ممکن است پس از پی‌بردن به اشتباهات و ضعفهای طبیعی خود در ترجمه دچار سرخوردگی شود و گمان کند کار ترجمه از او ساخته نیست. از این گذشته دانشجویان ممکن است این احساس را به یادگیری مهارتهای دیگر زبان نیز تعمیم بدهد. در نظر خواهی که از یکصد نفر دانشجوی رشته زبان انگلیسی دانشکده ادبیات مشهد به عمل آمد، ۹۹ درصد دانشجویان نگرانی و دلسردی خود را از این که نمی‌توانند ترجمه‌های قابل قبولی ارائه دهند ابراز داشتند. آنچه مسلم است این است که ایجاد شرایط و جو روحی مناسب و تقویت روحیه اطمینان در آموزش نقش بسزایی در پیشبرد اهداف آموزشی و میزان موفقیت آموزشی دانشجویان دارد و آموزش ترجمه نیز از این قاعده مستثنی نیست.

### ۳- ترجمه، مهارتی دریافتی یا تولیدی؟

نظریه‌های یادگیری مبنای روشهای آموزشی قرار می‌گیرند. امروزه کتابهایی که برای آموزش زبان تألیف می‌شود و روشهای آموزشی مختلفی که بکار گرفته می‌شود حاصل تحقیقات گسترده محققانی است که در مورد چگونگی فرآیند زبان آموزی تحقیق می‌کنند. دامنه این تحقیقات مسائلی چون چگونگی زبان آموزی کودک، بررسی سیستمهای دریافتی و تولیدی زبان و مقایسه دو فرآیند یادگیری زبان اول و زبان دوم و نقش عوامل اجتماعی- فرهنگی در فراگیری زبان را شامل می‌شود. به کمک نتایج این تحقیقات است که روشها و تکنیکهای جدیدی در آموزش زبان ابداع می‌شود.

روش «دستور و ترجمه» (Grammar-translation Method) پس از آن که در نیمه اول قرن بیستم از صحنه آموزش زبان خارج شد، کمتر مورد توجه محققان روانشناسی یادگیری قرار گرفت. به همین دلیل شاید بتوان گفت تا کنون تحقیقی جدی درباره فرآیند یادگیری ترجمه صورت نگرفته

است. در نتیجه، آموزش ترجمه در حال حاضر بريك نظریه معین یادگیری مبتنی نیست. برای نقد روش موجود در آموزش ترجمه که در بخش اول ذکر شد، می‌توان از اصول نظری روش یادگیری زبان مادری استفاده کرد. برای این کار نخست باید به دو سؤال زیر پاسخ داد:

۱- در یادگیری زبان مادری کدام دسته از مهارت‌های زبانی زودتر شکل می‌گیرند، مهارتی تولیدی یا مهارت‌های دریافتی؟

۲- چه رابطه‌ای میان آموزش ترجمه به عنوان مهارتی تولیدی و نظریه یادگیری زبان مادری وجود دارد؟

تحقیقات روانشناسی درباره زبان آموزی کودک معلوم می‌دارد که مرحله اول یادگیری عبارتست از درک آواهایی که از طریق سیستم شنیداری به ذهن کودک منتقل می‌شود. کودک تنها پس از دریافت این داده‌های زبانی است که قادر به تولید آنها می‌شود، بنابراین سیستم شنیداری یا دریافتی کودک بسیار زودتر از سیستم گفتاری یا تولیدی او تکامل می‌یابد. از طرف دیگر گاه میان شکلی از لغت که کودک تشخیص می‌دهد و شکلی از لغت که کودک آن را تولید می‌کند آنقدر تفاوت وجود دارد که برخی از محققان مانند مین (۱۹۸۳) معتقدند کودک دو نوع واژه در اختیار دارد، یکی برای تشخیص و دیگری برای تولید. به طریق مشابه، دانش لغوی فرد بزرگسال برای درک و تشخیص معمولاً بسیار بیشتر از دانش لغوی و نحوی او برای تولید زبان است. بر این اساس، محققان آموزش زبان مهارت‌های زبانی فرد را به دو دسته مهارت‌های تولیدی و مهارت‌های دریافتی تقسیم می‌کنند. مهارت‌های تولیدی مانند نوشتن و صحبت کردن مستلزم و بیانگر دانش فعال (active knowledge) فراگیرنده است. اما مهارت‌های دریافتی نظیر شنیدن و خواندن نیازمند دانش انفعالی (passive knowledge) فراگیرنده است.

بنابر تقسیم‌بندی فوق، ترجمه مهارتی تولیدی است که از تجزیه و تحلیل پیام زبان مبدأ شروع و به بازآفرینی آن در زبان مقصد ختم می‌شود. آنچه به ترجمه ویژگی مهارتی تولیدی می‌بخشد همان مرحله بازآفرینی نحوی و معنایی است که در آن مترجم دانش فعال خود را بکار می‌گیرد. اما اگر کسی بخواهد ترجمه‌های مختلف را بررسی و ارزش‌گذاری کند، در این صورت این کار نیاز به مهارت دریافتی او دارد. بر این اساس آموزش ترجمه می‌تواند به دو شکل صورت بگیرد، آموزش ترجمه به عنوان مهارتی تولیدی و آموزش ترجمه به عنوان مهارتی دریافتی. حال سؤال این است که در مراحل اولیه آموزش ترجمه کدام يك از این دو روش می‌بایست بر دیگری مقدم شود؟ در پاسخ به این سؤال گفتیم که روش‌های آموزش زبان مبتنی بر توصیف ما از چگونگی زبان آموزی است. و نیز گفتیم که شکل‌گیری مهارت ادراکی - دریافتی بر مهارت تولیدی زبان مقدم است. به کمک این دو اصل می‌توان چنین نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های دریافتی ترجمه باید قبل از آموزش مهارت‌های تولیدی صورت بگیرد. بدین ترتیب با تقویت دانش انفعالی و توان دریافتی فراگیرنده می‌توان او را برای ورود به مرحله ترجمه عملی آماده کرد.

قبل از آنکه از فراگیرنده بخواهیم متنی را ترجمه کند، باید او را با ترجمه‌های مختلف از متون

مختلف آشنا کنیم. در این مرحله تنها وظیفه فراگیرنده تشخیص ترجمه قابل قبول از میان ترجمه‌های مختلف متنی واحد است. آموزش در این مرحله مبتنی بر تجزیه و تحلیل ترجمه‌های غلط و نادرست از جنبه‌های ساختاری، معنایی و مقصودشناسی (pragmatic) می‌باشد. از ترجمه‌های دانشجویان در مراحل بعدی آموزش ترجمه می‌توان به عنوان داده‌های آموزشی در مرحله ابتدایی آموزش ترجمه استفاده کرد. به موازات این کار می‌توان نمونه‌هایی ساده از متون برگزیده ترجمه شده را با اصل آن به صورت مقابله‌ای به فراگیرنده ارائه کرد. در این مرحله توان تشخیص فراگیرنده از طریق آشنایی با نمونه‌های عالی و بررسی و تحلیل نقادانه نمونه‌های ضعیف افزایش می‌یابد. فراگیرنده با پی بردن به نقایص ترجمه‌های ضعیف شم زبانی پیدا می‌کند و از نظر روانی و عملی آمادگی بیشتری برای ترجمه خواهد داشت. او قبل از آنکه دست به ترجمه ببرد، معیارهایی ذوقی پیدا کرده است که به مدد آنها کارش را با اعتماد به نفس بیشتر و با طرحی قبلی شروع می‌کند. آموزش در این مرحله هم شامل آموزش زبان مبدأ و هم آموزش زبان مقصد است. در این مرحله هر نوع توهم فراگیرنده در مورد بدیهی دانستن آشنایی خود با زبان مادری از میان می‌رود و فراگیرنده در کی واقعی نسبت به زبان مادری خود و سهل و ممتنع بودن کاربرد آن پیدا می‌کند و بدین ترتیب از همان ابتدا نسبت به کاربرد زبان مادری حساس می‌شود. با ایجاد این زمینه آموزشی و تقویت بنیه دریافتی فراگیرنده می‌توان تا حد زیادی از بروز تأثیرات نامطلوب آموزشی ناشی از ورود ناگهانی به مرحله عملی ترجمه جلوگیری کرد.

#### منابع

- Hartman, Reinhard R.K., *Contrastive Textology : Comparative Discourse Analysis in Applied Linguistics*. Heidelberg: Julius Groos verlag, 1980.
- Menn, L. *Development of Articulatory, Phonetic and phonological Capabilities*. in B.L. Butterworth (ed.) *Language Production vol.2: Development, Writing and other Language processes*. London: Academic Press, 1983.